

مقاله پژوهشی - فصلنامه علمی رهیافت

سال چهاردهم، شماره ۵۳، زمستان ۱۳۹۹
صفحه ۴۷ تا ۶۶

رویکرد جمهوری اسلامی ایران به آموزش حقوق بشر در پرتو اسناد بین المللی (مطالعه موردی نهاد حقوق بشر سازمان ملل)

علی غلامعلی / (استادیار گروه معارف اسلامی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران)

aligholamali54@gmail.com

چکیده

حقوق بشر موضوعی جهانی و فراگیر است که به فراخور نیازهای هر جامعه و بر اساس مقتضیات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و ایدئولوژیکی، چهره‌های متفاوتی پیدا می‌کند. اعلامیه حقوق بشر سازمان ملل متحد علاوه بر اصول خاص خود، رویکرد آموزش حقوق بشر را نیز مورد توجه قرار داده است. ج.ا.ایران با توجه به پذیرش اعلامیه حقوق بشر، رویکرد آموزش حقوق بشر را با توجه به محتوای حقوق بشر اسلامی و با در نظر گرفتن ملاحظات داخلی در نظر گرفته است. با توجه به همین رویکرد، سؤال پژوهش حاضر این است که وجه تمایز رویکرد ج.ا. ایران نسبت به آموزش حقوق بشر در پرتو اسناد بین‌المللی از جمله نهاد حقوق بشر سازمان ملل متحد شامل چه مواردی است؟ یافته‌ها نشان می‌دهد که آموزش حقوق بشر اسلامی در مقایسه با رویکرد نهادی بین‌المللی، وجهی دینی دارد و بر همزمانی حقوق و تکالیف توجه نشان می‌دهد. به علاوه اینکه، آموزش حقوق بشر می‌بایست معطوف به ترویج اصول کرامت، معنویت، توجه به کمال و سعادت انسانی و همچنین بنیادهای الهی برای سعادت انسانی باشد. در این صورت است که رویکردهای موجود توسط نهادهای بین‌المللی از جمله نهاد حقوق بشر سازمان ملل مورد انتقاد قرار می‌گیرند. روش پژوهش حاضر توصیفی-تحلیلی و شیوه جمع‌آوری اطلاعات کتابخانه‌ای است.

کلیدواژه: حقوق بشر، آموزش حقوق بشر، قانون اساسی، اسناد بین المللی، جمهوری اسلامی ایران.

تاریخ تأیید ۱۳۹۹/۰۹/۲۷

تاریخ دریافت ۱۳۹۸/۱۱/۲۷

مقدمه

با گسترش ارتباطات و رسانه‌ها و مطرح شدن حقوق بشر به عنوان مؤلفه‌ای جهانی و منطقه‌ای، موضوع آموزش حقوق بشر به یک دغدغه عمومی برای کشورهای مختلف جهان تبدیل شده است. به این دلیل که فرایند جهانی شدن به عنوان یک موضوع مهم، اغلب موضوعات ملی و منطقه‌ای را به سطح دنیا کشانیده است. بدین ترتیب، حقوق بشر نیز تحت تأثیر فضای جدید، رویکردی برای نهادها و سازمان‌های بین‌المللی جهت سنجش رعایت قوانین بین‌المللی درآمده است. در همین راستا، کنفرانس جهانی حقوق بشر (۱۹۹۳)، با تمرکز بر ابعاد آموزشی و تربیتی حقوق بشر و اطلاعات عمومی لازم به منظور خلق و بسترسازی شرایطی برای حل اختلافات میان جوامع و ارائه پیشنهاداتی به منظور درک و بالا بردن ارزش صلح تشکیل شد (راینسون، ۲۰۰۰: ۱۱). این کنفرانس به منظور پایدار ساختن ارزش‌هایی نظیر صلح و حقوق بشر پدید آمد و مهم‌ترین دستاورد این کنفرانس، تأکید بر جنبه‌های آموزشی حقوق بشر بود که دولت‌ها را موظف می‌کرد تا در زمینه آموزش حقوق بشر فعالیت نمایند. در کنفرانس ۱۹۹۳ وین، آموزش حقوق بشر، تعلیم و آگاهی‌دادن در این زمینه برای تقویت تفاهم مشترک، بردباری و صلح بین جوامع ضروری دانسته شده است و با توجه به اهمیت آموزش در رعایت حقوق بشر، سازمان ملل متحد سال‌های ۱۹۹۵ تا ۲۰۰۴ را دهه آموزش حقوق بشر اعلام کرد، تا از این طریق موجب افزایش آگاهی جهانی از حقوق بشر و تقویت فرهنگ جهانی حقوق بشر شود. سپس سازمان ملل در جهت یاری رساندن به این امر «برنامه اقدام دهه آموزش حقوق بشر» را تصویب نمود.

در همین راستا نظام‌های سیاسی تلاش دارند تا با رعایت رویکردهای حقوق بشری و ایجاد رویه‌هایی متناسب با وضعیت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خویش، راهی برای تحقق و آموزش حقوق بشر برای شهروندان خود پدید آورند. نظام جمهوری اسلامی ایران با پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷، رویکرد جدیدی در عرصه حقوق بشر مطرح کرده است که براساس آن، هم نقد آموزه‌های حقوق بشر غربی و هم مطرح شدن حقوق بشر اسلامی به عنوان یک آموزه جدید، مورد توجه قرار گرفت. در این زمینه، نهادهای مختلفی در زمینه آموزش حقوق بشر و در قالب نهادها و سازمان‌های مختلف فعالیت می‌کنند که در قالب سه نهاد قوه مجریه، قوه مقننه و قوه قضاییه و همچنین آموزش‌های رسمی و غیررسمی تبلور یافته است.

براین اساس، نقش نهادهای مختلف در نظام جمهوری اسلامی ایران در زمینه آموزش حقوق بشر متنوع و متفاوت است که سعی می‌کنند با بهره‌گیری از آموزه‌های اسلامی و در راستای تطبیق با آموزه‌های جهانی حقوق بشر از جمله نهاد حقوق بشر سازمان ملل متحد، فعالیت‌های

آموزشی را انجام دهند. پژوهش حاضر، با بررسی آموزه‌های جهانی توصیه شده از سوی نهاد جهانی حقوق بشر سازمان ملل متحد و فعالیت‌های نهادها و سازمان‌های مرتبط با حقوق بشر در نظام جمهوری اسلامی ایران، به بررسی و تحلیل نقش‌آفرینی این نهادها پرداخته و فعالیت‌های جمهوری اسلامی ایران را در راستای آموزش حقوق بشر نشان داده است.

۱-۱. پیشینه تحقیق

حقوق بشر و آموزش آن موضوعی جهانی است و امروزه دغدغه‌ای برای همه جوامع تبدیل شده است و حجم تحقیقات و پژوهش‌ها در این زمینه بسیار گسترده است. در همین راستا به برخی از تحقیقات انجام شده در این زمینه پرداخته می‌شود:

بهناز توکلی (۱۳۹۶) در پژوهشی با عنوان «آموزش‌های حقوق بشر به کودکان در کشورهای جنوب»، آورده است که کودکان کشورهای جنوب به عنوان اعضای جامعه، با محدودیت استفاده از شبکه‌های اجتماعی یا منابع اطلاعاتی، ممکن است در معرض خطر عدم آگاهی از حقوق اساسی خود داشته باشند و یا مهارت‌های لازم برای استفاده از این حقوق را نداشته باشند. بنابراین آموزش آنان جهت یادگیری مهارت‌های زندگی امری اساسی است. نصرت‌الله فلسفی (۱۳۹۵) در اثری با عنوان «حق بر آموزش در حقوق بین‌الملل و حقوق ایران» چنین بیان می‌کند که در نخستین سند حقوقی که در ایران معاصر تدوین شده یعنی قانون اساسی مشروطیت و متمم آن، نکاتی درباره تعلیم و تربیت شهروندان آمده است. در اصل ۱۸ متمم قانون اساسی مشروطیت مصوب ۱۲۸۵ خورشیدی بیان گردیده: تحصیل و تعلیم علوم و معارف و صنایع آزاد است، مگر آنچه شرعاً ممنوع می‌باشد. نکته حائز اهمیت این است که تأکید قانون اساسی مشروطیت بر آزادی آموزش نزدیک به نیم سده پیش از تدوین نخستین سند جهانی حقوق بشری صورت گرفته است. علی‌امیدی و همکاران (۱۳۹۵) در مقاله «مواجهه دو دیدگاه حقوقی: تحلیلی بر تعامل و تقابل جمهوری اسلامی ایران با شورای حقوق بشر سازمان ملل» به این نتیجه می‌رسند که به‌رغم پذیرش اعلامیه حقوق بشر از سوی جمهوری اسلامی ایران، رویکرد جمهوری اسلامی ایران به وضعیت اقلیت‌ها، جرایم سیاسی، آزادی بیان و عقیده، شکنجه، مجازات اسلامی موجب تفاوت آن از اعلامیه حقوق بشر از جمله شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد شده است.

اسدی نژاد، رستمی و مرادی (۱۳۹۴) در پژوهشی تحت عنوان «حق آموزش و تربیت کودک در قوانین [جمهوری اسلامی] ایران و اسناد حقوق بشر» به این نتیجه می‌رسند که تربیت از ارکان مهم سعادت بشر است که خانواده در آن نقش بسیار ایفا می‌کند. همچنین اینکه در اسناد حقوق بشر، تنبیه به منظور تربیت پذیرفته نمی‌شود و اطاعت کودک از والدین و احترام به ایشان با

سکوت روبروست. در بحث تربیت مذهبی کودک نیز والدین تنها حق دارند آموزه‌های مذهبی مطابق معتقدات خویش را به کودک آموزش دهند.

شکاری (۱۳۹۴) در پژوهشی با عنوان ارزیابی آموزش مؤلفه‌های حقوق بشر در برنامه درسی جمهوری اسلامی ایران به این نتیجه رسیده است که دانش آموزان، معلمان و کارشناسان برنامه-ریزی با آموزش مفاهیم مطروحه حقوق بشر در حیطه‌های دانش، توانش و نگرش موافق هستند. در نهایت اینکه مافی و کاویار (۱۳۹۰) در پژوهشی با عنوان صلح و حقوق بشر در برنامه درسی با تأکید بر اسناد بین‌المللی آورده‌اند یکی از مشخصه‌های هزاره سوم، رویکرد جهانی شدن می‌باشد که به‌طور قطع بسیاری از مؤلفه‌های امنیتی، کنترل اجتماعی، روابط فرهنگی، سیاسی، بومی و بین‌المللی را تغییر داده است.

آنچه از بررسی تحقیقات مذکور حاصل می‌شود این است که مقوله حقوق بشر و آموزش آن، نقش مهمی در جوامع معاصر دارند. بر همین اساس، با توجه به اینکه رویکرد ج.ا.ایران از حیث حقوق بشر اسلامی و مقایسه آن با نهادهای بین‌المللی از جمله شورای حقوق بشر سازمان ملل انجام نشده است، پژوهش حاضر درصدد است تا به این مسأله توجه نشان دهد.

۲-۱. روش تحقیق

پژوهش حاضر با روش تحلیلی انجام می‌شود که با بررسی متون و اسناد بین‌المللی در زمینه حقوق بشر از جمله اعلامیه‌های آن و همچنین متون و منابع داخلی در این زمینه انجام شده است. بنابراین روش گردآوری داده‌ها با بررسی کتب و منابع اسنادی در زمینه حقوق بشر، آموزش حقوق بشر و بررسی رویکردهای داخلی و بین‌المللی است.

۳-۱. اهمیت و ضرورت تحقیق

امروزه برقراری روابط عادلانه میان شهروندان در داخل و تعاملات آنان با دنیای خارج به عنوان بخش مهمی از ارتباطات اجتماعی شناخته می‌شود که فقدان آموزشی مناسب جهت آموزش حقوق بشر به آنان به خوبی احساس می‌شود. بنابراین آموزش حقوق بشر به عنوان یکی از ابعاد توسعه انسانی و اجتماعی یکی از نیازهای جامعه ایرانی است که در پرتو اسناد بین‌المللی و همچنین توجه به آموزه‌های انقلاب اسلامی و قانون اساسی دنبال می‌شود.

۲- مبانی نظری؛ حقوق بشر و آموزش آن در جهان

«حقوق بین‌المللی بشر» در ژانویه ۱۹۴۱ با پیام موسوم به «چهار آزادی» فرانکلین دلانو روزولت رئیس جمهور امریکا خطاب به کنگره طرح‌ریزی شده و در ۱۰ دسامبر ۱۹۴۸ با اعلامیه جهانی حقوق بشر توسط مجمع عمومی سازمان ملل متحد پدید آمد (فروغی نیا، ۱۳۹۱: ۱۵۰).

اعلامیه حقوق بشر که به طور خاص از سال ۱۹۴۸ و توسط سازمان ملل متحد وارد تعهدات و معاهدات بین المللی شد، شرایط و الزامات خاصی را برای نظام‌های سیاسی در سطح جهان پدید آورده است. حقوق بشر عموماً به عنوان حقوقی در نظر گرفته شده که هر کس به صرف انسان بودن، از آنان برخوردار می‌شود. البته این بحث به لحاظ فلسفی چالش برانگیز است؛ زیرا مشخص نیست که چرا هر کس به واسطه انسان بودنش، دارای حقوق است. از رویکرد سیاسی، حقوق بشر، شامل حقوقی است که حکومت‌ها آن را به رسمیت شناخته‌اند. اعلامیه جهانی حقوق بشر، فهرستی معتبر از حقوق بشر را عرضه کرده است؛ با این حال مشکل است که به شکلی دقیق حقوق بشر، دیگر حقوق و دیگر ارزش‌های اجتماعی را از هم جدا کرد (برنل و رندال، ۱۳۸۹: ۲۸۸-۲۸۹). اما آنچه در اعلامیه‌های حقوق بشری دیده می‌شود تأکید بر کرامت انسانی و برخورداری از حقوق ذاتی است که فارغ از رنگ، نژاد، پوست، مذهب و طبقه سیاسی و اجتماعی به انسان‌ها تعلق دارد. براساس اعلامیه جهانی حقوق بشر به ویژه مقدمه آن به موارد زیر به عنوان شناسنده حقوق بشر جهانی اشاره کرد:

الف: شناسایی حیثیت ذاتی کلیه اعضای خانواده بشری؛

ب: رسیدن به دنیایی فارغ از هر نوع ترس و فقر به عنوان بالاترین آمال بشری؛

ج: آزادی بیان و عقیده؛

د: حمایت قانونی از حقوق بشر در مقام اجرا؛

ه: توسعه روابط دوستانه بین الملل؛

و: تساوی حقوق زن و مرد؛

ز: همکاری دولت‌ها با سازمان ملل در این راستا؛

ح: حسن تفاهم مشترک نسبت به این حقوق.

بر این اساس، حقوق بشر به دنبال آن است که برای موجودیت بشر با حفظ همه ابعاد کرامت و آزادی او یک تضمین حقوقی تأمین کند و برای آن یک چارچوب اجتماعی به رسمیت شناخته شده پدید آورد. از نظر فلسفی می‌توان گفت حقوق بشر ناظر بر قوانین انسان‌گرایانه یا انسان محورانه است (قربان‌نیا، ۱۳۸۷: ۳۵). در بعد اجتماعی نیز حقوق شناخته شده از جمله حقوق سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، مذهبی و ... به عنوان ابعاد حقوق بشر شناخته می‌شوند که امروزه طیف متعددی از حقوق بشر لیبرالی، اسلامی، سکولار، دینی و غیردینی را شامل می‌شود. آنچه امروزه مدنظر است، مسأله آموزش حقوق بشر است که هرچند در اسناد بین‌المللی حقوق بشر به نوعی به مسأله آموزش حقوق بشر نیز توجه شده است، اما در کشورهای مختلف

با رویه های متفاوت و حتی منحصر به فردی دنبال می شود. براساس رویکردهای بین المللی و منطقه ای، از جمله مهم ترین موارد می توان به مواد ۷ و ۱۰ اعلامیه حقوق کودک (۱۹۵۹)،^۱ ماده ۵ کنوانسیون مبارزه با تبعیض در امر تعلیمات (آموزش) (۱۹۶۰)،^۲ ماده ۱۳ میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (۱۹۶۶)،^۳ ماده ۲۹ کنوانسیون حقوق کودک (۱۹۸۲)،^۴ ماده ۱۰ کنوانسیون رفع تمامی انواع تبعیض علیه زنان (۱۹۸۱)،^۵ ماده ۷ معاهده بین المللی رفع هر گونه تبعیض نژادی (۱۹۶۹)،^۶ اعلامیه وین و برنامه عمل (۱۹۹۳)^۷ و.... اشاره نمود.

دلایل متعددی جهت آموزش حقوق بشر در سطح جهان ارائه شده است که هر کدام بر موضوع خاصی نیز تأکید می کنند. برخی فروپاشی اقتدار دولت-ملت ها را دلیلی برای آموزش حقوق بشر می دانند که به دلیل جهانی شدن حقوق بشر، نیازمند توجه به مفاهیم جهانشمول و عاری از هرگونه تبعیض و بی عدالتی است. استدلال این است که ما در عصری زندگی می کنیم که در آن مباحث فراوانی درباره ناکارآمدی دولت ها و از بین رفتن حاکمیت ها و در نتیجه بی توجهی به موازین حقوق بشری سخن گفته می شود (فورست، ۲۰۰۰: ۶). بر این اساس، با زوال حاکمیت دولت ها، آموزش حقوق بشر به خوبی می تواند اقتدار جدیدی بیافریند.

در جای دیگری استدلال شده است که آموزش حقوق بشر راهی برای پایدار شدن زندگی صلح آمیز و جمعی است. بر این اساس، هرچند جوامع دموکراتیک می توانند شکل مسالمت-آمیزتری از زندگی را تجربه کنند، اما این موضوع همواره پایدار نیست. بنابراین آموزش حقوق بشر ضرورتی برای پایداری زندگی جمعی در نظام های سیاسی است. بر این اساس، مردان، زنان و حتی بچه ها می توانند به مدتی به صورت صلح آمیز در کنار هم زندگی کنند، اما این شکل از زندگی معمولاً همیشه پایدار باقی نمی ماند (راینسون، ۲۰۰۰: ۱۶). طرفداران این رویکرد، آموزش حقوق بشر در مدارس (آموزش و پرورش رسمی) را بسیار مؤثر می دانند. به عقیده راینسون، حقوق بشر و آموزش های مربوط به آن، زیربنایی برای تحول دموکراتیک محسوب

۱. Declaration on the Rights of the Child

۲. Convention Against Discrimination in Education

۳. International Covenant on Economic , Social and Cultural Rights

۴. Convention on the Rights of the child

۵. Convention on the Elimination of All Forms of Discrimination Against Women

۶. International Convention on the Elimination of All Forms of Racial Discrimination

۷. Vienna Declaration and programme of Action

می‌شوند. از نظر وی، آموزش حقوق بشر در مدارس بدین معناست که گفت و شنودهایی درباره اجتماع انسانی و مسائل مربوط به دموکراسی انجام گیرد (راینسون، ۲۰۰۰: ۱۸).

لی، آموزش حقوق بشر را راهی برای مسئولیت‌پذیری شهروندان تلقی می‌کند. آموزش حقوق بشر باعث می‌شود تا اداره زندگی جوامع به شکل بهتری انجام گیرد. به همین دلیل با بالا گرفتن بحث‌ها درباره حق بر آموزش، حقوق بشر نیز اهمیت یافته است. به این دلیل که این اهمیت باعث می‌شود تا مسئولیت‌پذیری جای ناتوانی را در بچه‌ها پر کند و همچنین آنها را در برابر اداره زندگی شخصی و محیط‌های متنوع توانمند سازد (لی، ۲۰۱۳: ۷). به علاوه، از نظر لی، آموزش [حقوق بشر] به کودکان جهت دفاع کودکان از حقوق خود به همه آنان توصیه می‌شود تا آنها حداقل‌هایی از سطح محافظت و حمایت از خود را بدست آورند و حتی این ویژگی‌ها را توسعه ببخشند (لی، ۲۰۱۳: ۲). از نظر لی، تأکید بر توانمندسازی و یا باز گذاشتن اهداف آزادمنشانه در این زمینه مهم است؛ چه اینکه فرد به تنهایی نمی‌تواند اهداف خود را بدست بیاورد. همچنین او به تنهایی نمی‌داند چه سطحی از آموزش لازم است تا بتواند در یک محیط خود را به سطح استاندارد برساند (لی، ۲۰۱۳: ۶).

مک لود آموزش حقوق بشر را موضوعی می‌داند که با پرورش رفتارهای درونی و شخصی، زمینه‌ساز رشد حقوق بشر را فراهم می‌سازد. توصیه و دعوت به رعایت حقوق بشر برای کودکان باعث ارتقا و توسعه توانمندی‌های آنان و همچنین راهنمایی برای احزاب دولتی است که به وسیله آن می‌توانند به بچه‌ها آموزش دهند که از خودشان محافظت کنند، همچنین باعث احترام گذاشتن آنها به ارزش‌های فرهنگی می‌شود، و در نهایت نقش بسزایی در آشنایی بچه‌ها با حقوق بشر در عرصه روابط بین الملل دارد (مک لود، ۲۰۱۴: ۱۲۲۷). از همین منظر، سازمان ملل توصیه می‌کند که در زمینه آموزش حقوق بشر تنها بر جنبه‌های بیرونی و خارج از رفتارهای فردی و وقایع تمرکز نشود، بلکه توجه به مسائل درونی و شخصی و همچنین رفتارهای خود فرد حائز اهمیت فراوان است (مک لود، ۲۰۱۴: ۱۲۲۸). همچنین ایمارت آموزش حقوق بشر را راهی برای تشکیل جامعه عاری از خشونت و تعصب می‌داند. به عقیده وی، جوامعی که بدون آموزش حقوق بشر باقی بمانند، همواره مستعد درگیری و خشونت در سطح ملی و جهانی را دارند. به همین جهت لی در تعریف آموزش حقوق بشر بر این باور است که حقوق بشر باید بر حقوق اساسی توجه کند. این حقوق شامل حق زندگی کردن، آزادی مذهب و برابری دانستن در هر شرایط فرهنگی و ... است (ایمارت، ۲۰۱۱: ۳۵۰).

در نهایت اینکه بیخو پارخ از جمله کسانی است که مسأله حقوق بشر را نوعی آموزش چندفرهنگی می‌داند که براساس آن، آموزش باید شرایط اجرای دو مقوله را باز کند: یکی پرورش هویت خودانتقادی و دیگری دوست داشتن و احترام عمیق به تفاوت‌های دیگران (پارخ، ۱۹۹۸: ۱۳). پارخ بیش از هر چیز خواستار رسیدن به جامعه‌ای چندفرهنگی است که در آن، تساهل و مدارا به عنوان اصلی اساسی پذیرفته شود و شرایط برای زیست اخلاقی همگان فراهم شود. از نظر وی، در زمینه آموزش حقوق بشر، می‌بایست برای حل تضادها، شرایطی را ایجاد کنیم که تساهل‌آمیز باشد و به گفت‌وگوی توافق‌آمیز منجر شود (پارخ، ۲۰۰۳: ۱۶۵).

۲-۱. بنیادهای نظری حقوق بشر و آموزش آن

حقوق بشر جهانی بر بنیادهای نظری مستحکمی استوار است که به برخی از آنها اشاره می‌شود. اولین و بنیادی‌ترین آن، اومانیزم و انسان‌گرایی است. از این منظر، حقوق بشر، حقوقی است که مردم به خاطر هویت انسانی باید برخوردار باشند، نه به خاطر دین، نژاد و زبان و ملیت (فریمن، ۱۳۹۴، ۲۶). در واقع حقوق بشر را عموماً آن دسته از حقوقی فرض می‌کنند که ذاتی انسان می‌باشند؛ مفهوم حقوق بشر تاکید می‌کند که هر انسان واحد، بدون هیچ گونه تمایز از حیث نژاد، رنگ، جنسیت، زبان، دین یا هر عقیده دیگر، اصلیت ملی یا اجتماعی، دارایی، ولادت یا هر وضعیت دیگر حق بهره‌مندی از حقوق بشر را دارا است. بنیاد نظری دیگری که برای حقوق بشر می‌توان باین کرد فردگرایی است. در این معنا، حقوق بشر عبارت است از سلطه، اختیار، امتیاز و توانایی که انسان از آن برخوردار است. با این تعریف حقوق بشر دارای ویژگی‌هایی است از جمله اینکه از سنخ امتیاز برای دارنده حق است، تعلق حق به شخص با توان و اختیار وی تلازم دارد و در آخر اینکه حق بشری امتیاز حمایت شده است. به طور کلی می‌توان گفت حقوق بشر معاصر در بردارنده حقوق افراد در مقابل دولت است و کارکرد اصلی آن تحدید قدرت دولت در مقابل افراد است. به این ترتیب، دولت‌ها متعهدند حقوق بشر را برای افراد تضمین و حمایت کنند (قاری سید فاطمی، ۱۳۹۰، ۳۱). مفهوم حقوق بشر حاصل تحولاتی است که در نیمه دوم قرن بیستم رخ داد و در پی آن فرد دارنده حق تلقی گردید و دولت‌ها ملزم به شناسایی و تضمین آنها شده‌اند (موحد، ۱۳۸۷، ۴۰۸). با این تفاسیر قبل از تجلی مفهوم حقوق بشر برای بحث در مورد حقوق انسان از مفاهیمی چون حقوق طبیعی سخن به میان می‌آید. همچنین مفاهیم دیگری نظیر حقوق شهروندی و حقوق بشردوستانه به عنوان مفاهیم مشابه قابل ذکر هستند. ایده حقوق بشر به همان قدمت تمدن بشری است اما حقوق بشر به عنوان موضوع مطالعه و تدوین، به تصویب منشور ملل متحد بر می‌گردد. حقوق بشر حقوقی هستند که هر فرد

باید در برابر دولت و هر مرجع عمومی دیگر به خاطر عضویت خود در خانواده بشری صرفنظر از هر ملاحظه‌ای برخوردار باشد (شیلدتون، ۲۰۰۸، ۳).

پس از اومانيسم و فردگرایی می‌توان به حقوق طبیعی به عنوان یکی از بنیادی‌ترین مبانی حقوق بشر جهانی اشاره نمود. براساس این مقوله نیز سازمان ملل متحد در تعریف خود از حقوق بشر چنین آورده است: «حقوق بشر به طور کلی به عنوان حقوقی قابل تعریف بوده که از ذات ما جدا ناشدنی و بدون آن نمی‌توانیم به عنوان انسان زندگی کنیم، حقوق بشر و آزادی‌های اساسی این امکان را برای ما فراهم می‌سازد، تا صفات انسانی‌مان، عقلمان، استعدادمان و وجدانمان را به طور کامل پرورش داده و به کار بریم و نیازهای روحی و دیگر نیازهای انسانی را برآورده سازیم، آن‌ها مبتنی بر خواسته روزافزون بشر برای یک زندگی است، که در آن شأن ذاتی و ارزش انسانی از احترام و حمایت برخوردار باشد» (غمامی، ۱۳۸۷، ۱۲۴).

از منظر تفکر غرب انکار حقوق بشر و آزادی‌های اساسی نه تنها یک تراژدی فردی و شخصی است، بلکه موجب اوضاع ناآرام اجتماعی و سیاسی می‌گردد و تخم خشونت و تخاصم را در درون اجتماعات و ملت‌ها و در بین آن‌ها می‌کارد. همان‌طور که جمله نخست اعلامیه جهانی حقوق بشر اعلام می‌نماید: احترام به حقوق بشر و شأن ذاتی انسانی، زیر بنای آزادی، عدالت و صلح در جهان می‌باشد. حقوق بشر را می‌توان حقوقی بنیادین و انتقال‌ناپذیر نام برد، که برای حیات نوع بشر اساسی تلقی می‌گردد از جمله حق حیات، حق کرامت، حق تعلیم و تربیت، حق آزادی، حق مساوات در برابر حقوق و قوانین. از آزادی‌ها و مصونیت‌ها و مزایایی که بر طبق ارزش‌های پذیرفته شده معاصر، کلیه انسان‌ها باید بتوانند به عنوان حق از اجتماعی که در آن زندگی می‌کنند ادعا نمایند، به عنوان حقوق بشر یاد شده است (همان: ۱۲۴-۱۲۲).

بدین ترتیب رویکردها و رویه‌های متفاوتی جهت آموزش حقوق بشر دیده می‌شود که هر کدام براساس ظرفیت‌های سیاسی و فرهنگی هر جامعه بدان می‌نگرند. جمهوری اسلامی ایران به عنوان کشوری که عضویت در برخی نهادهای حقوق بشری و آموزش حقوق بشری عضویت دارد، شیوه خاصی را ارائه داده است که به بررسی و نسبت سنجی این رویکرد در پرتو اسناد بین‌المللی پرداخته می‌شود.

۳. رویکرد انتقادی ج.ا. ایران به آموزش حقوق بشر جهانی

آموزش حقوق بشر در جمهوری اسلامی ایران مبتنی بر رویکرد دینی و الهی است. بنابراین هرگونه رژیم حقوق بشری، از حقوق و تکالیف و امتیازات و تعهدات ناشی از قرآن تبعیت می‌کند و بر مخاطبین و معتقدین به آن لازم‌الرعایه است (ملکی، ۱۳۸۵: ۱۰۵). در حیطه قانونی و

حقوقی نیز نوع نگاه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به حقوق بشر، به اسلام و تفاسیری که از سوی مؤسسان نظام جمهوری اسلامی ایران ارائه می‌شود، نقش مهمی در موضوع حقوق بشر دارد (صالحی و دهقان، ۱۳۹۴: ۱۷۴). همین ویژگی‌ها باعث شده تا رویکرد جمهوری اسلامی ایران از حقوق بشر جهانی متمایز باشد. بنابراین در وهله اول نوعی تمایز میان رویکرد سکولار (حقوق بشر جهانی) و رویکرد الهی (حقوق بشر اسلامی) دیده می‌شود. از این جهت، رویکرد موردنظر جمهوری اسلامی ایران در موضوع حقوق بشر و آموزش آن، رویکردی انتقادی نیز محسوب می‌شود.

جمهوری اسلامی ایران موظف است برای نیل به اهداف مذکور در اصل سوم، همه امکانات خود را برای این امور به کار گیرد. همچنین، بالا بردن سطح آگاهی‌های عمومی در همه زمینه‌ها با استفاده صحیح از مطبوعات و رسانه‌های گروهی و وسایل دیگر برای آموزش لازم است. بنابراین آموزش و پرورش و تربیت بدنی رایگان برای همه اصلی اساسی است و برای رسیدن به این مهم، تقویت روح بررسی و تتبع و ابتکار در تمامی زمینه‌ها از اهم وظایف دولت است که بر طبق قانون اساسی مکلف است تمهیدات لازم را برای بهره‌مندی عموم شهروندان از حقوق صدرالذکر فراهم نماید (رحمانی و مؤذنی، ۱۳۹۵: ۳۴). این رویکرد می‌تواند برای آموزش حقوق بشر صادق باشد.

آموزش حقوق بشر جهانی و حقوق بشر اسلامی در جمهوری اسلامی ایران از جهت فراگیری و تأکید بر کرامت انسانی دارای وجوه مشترکی هستند. اصول اولیه اعلامیه حقوق بشر بر این موضوع صحه می‌گذارند (اصول اول تا سوم). همچنان که در نظام حقوق بشر اسلامی به دلیل ابتناء قواعد و مقررات حقوقی بر فطرت بشر و با توجه به قاعده الزام به همان معتقدات و اصول پذیرفته شده ادیان دیگر و نیز رعایت اصل بنیادی عدالت، حقوق بشر را بر اساس این نگرش امری جهان شمول می‌داند (صالحی و دهقان، ۱۳۹۴: ۱۸۱). تفاوت از جایی شروع می‌شود که آموزش حقوق بشر در جمهوری اسلامی ایران، خود را منتقد رویکرد مادی گرایی حاکم بر اندیشه حقوق بشر جهانی می‌داند و کرامت انسانی با ابتناء بر ابعاد مادی و معنوی به صورت توأمان را جایگزین آن می‌کند. به عبارتی دیگر، در اندیشه اسلامی ضمن توجه به حقوق بشر و حقوق ملت به عنوان یک واجب الهی-انسانی و یک ضرورت دینی، این حقوق را در چارچوب کرامت ذاتی شناسایی نموده و بحث توحید و تقوا را علاوه بر نتایج اخروی آن، ضامن تحقق بهتر این حقوق بر شمرده است (صالحی و دهقان، ۱۳۹۴: ۱۹۲). به نظر نگارنده یکی از اساسی‌ترین اصول در حقوق شهروندی جدای از دیگر اصول مصرحه، که در تمامی کشورها و حتی در دین

مبین اسلام (قرآن و روایات) از بنیادی‌ترین اصول شناخته می‌شود، اصل کرامت و ارزش والای انسان و آزادی توأم با مسئولیت او در برابر خدا است که باید محترم شمرده شود. زیرا احترام به این اصل زمینه‌های رعایت به حقوق انسانی را فراهم خواهد ساخت. با توجه با اینکه تمامی اصولی که آورده شده است، به نوعی، حقوق فردی در آن مستتر می‌باشد، احترام به این اصول از جانب حکومت، واجب است و اینکه شهروندان نسبت به حقوق فردی که در قانون گاه بطور صریح و گاه بطور ضمنی، بیان شده، آگاه گردند.

حقوق بشر الهی موردنظر جمهوری اسلامی ایران برای آموزش به اصول و رویه‌های دینی متوسل می‌شود و نوعی رویکرد انتقادی محسوب می‌شود. از این رو، و با مدنظر قرار دادن آنچه در اصول اول و دوم فصل اول و اصل ۵۶ فصل پنجم قانون اساسی جمهوری اسلامی آمده است و با در نظر گرفتن اینکه اولاً، دین رسمی کشور در قانون اساسی، اسلام معرفی شده و توحید اصل نخستین اسلام به شمار می‌آید و ثانیاً، در موارد متعددی بطور صریح بر حاکمیت مطلق خداوند بر جهان تأکید شده است، می‌توان به قطع اذعان کرد که قانون اساسی جمهوری اسلامی در ترسیم نظام اقتصادی موردنظر خود، از نظام‌های مادی فاصله گرفته و بر نقش بلامنازع خداوند در تمشیت لحظه به لحظه امور جهان، صحّه گذاشته است (محقق داماد، ۱۳۸۳: ۹۱).

علاوه بر این، حقوق بشر جهانی مبتنی بر شناسایی "حق" است و نقش چندانی برای تکالیف بشر برای ساختن جامعه مطلوب در نظر نمی‌گیرد. به عبارتی دیگر، حقوق بشر جهانی، سلبی و بیش از هر چیز خواستار برچیده شدن موانع تحقق آزادی و عدالت میان افراد است. اما در آموزش حقوق بشر موردنظر جمهوری اسلامی ایران، مسئولیت و تکالیف دولت برای ترویج حقوق برابر و آموزش آن بسیار مورد توجه است. همان طور که بیان شد بنیاد نظری حقوق بشر جهانی مبتنی بر رویکرد عرفی و مادی گرایی است. به همین دلیل، در نقد حقوق بشر جهانی گفته می‌شود که امیال و غرایز مادی را به جای اهداف و کمالات انسانی نهاد (راعی، ۱۳۸۹: ۴۱). بنابراین آموزش حقوق بشر در نوع جهانی آن، ترویج مادی گرایی است. در سوی مقابل، حق آموزش حقوق بشر در رویکرد جمهوری اسلامی ایران معطوف به زندگی مادی نیست. وجه تمایز حقوق بشر موردنظر جمهوری اسلامی ایران آن است که زمینه‌ساز تعالی انسانی را از حیث معنوی فراهم سازد. بنابراین آموزشی صحیح است که بتواند زمینه‌ساز آموزش حقوق معنوی انسان باشد و چنین نگرشی را دنبال نماید. خداوند در قرآن می‌فرماید: «الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الْأُمِّيَّ الَّذِي يَجِدُونَهُ مَكْتُوبًا عِنْدَهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ يَأْمُرُهُمْ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَاهُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُحِلُّ لَهُمُ الطَّيِّبَاتِ وَيُحَرِّمُ عَلَيْهِمُ الْخَبِيثَاتِ وَيَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ

فَالَّذِينَ آمَنُوا بِهِ وَعَزَّرُوهُ وَنَصَرُوهُ وَاتَّبَعُوا النُّورَ الَّذِي أُنْزِلَ مَعَهُ وَلَكُمْ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» (همانان که از این فرستاده، پیامبر درس نخوانده - که [نام] او را نزد خود، در تورات و انجیل نوشته می‌یابند - پیروی می‌کنند [همان پیامبری که] آنان را به کار پسندیده فرمان می‌دهد، و از کار ناپسند باز می‌دارد، و برای آنان چیزهای پاکیزه را حلال و چیزهای ناپاک را بر ایشان حرام می‌گرداند، و از [دوش] آنان قید و بندهایی را که بر ایشان بوده است برمی‌دارد. پس کسانی که به او ایمان آوردند و بزرگش داشتند و یاریش کردند و نوری را که با او نازل شده است پیروی کردند، آنان همان رستگارانند).

بعد اقتصادی حقوق بشر اسلامی نیز به گونه‌ای ساماندهی شده است که اقتصاد به عنوان یک ابزار و نه هدف نهایی در نظر گرفته شود. بنابراین آموزش حقوق اقتصادی نیز می‌بایست به شیوه‌ای باشد که دنیا را به عنوان وسیله‌ای برای تحقق آمال معنوی قرار دهد. به همین دلیل در قانون اساسی و حقوق بشر مورد نظر جمهوری اسلامی ایران، جلوگیری از جمع ثروت‌های نامشروع و استرداد آن‌ها و حفظ بیت‌المال مسلمانان، تضمین حقوق زنان، تأمین اجتماعی و بیمه‌های همگانی از محل درآمدهای عمومی است. علاوه بر آن، به دولت اجازه داده شده است که خود مستقیماً وارد عرصه اقتصاد گشته و اجرای برخی مسئولیت‌ها را رأساً به عهده بگیرد (محقق داماد، ۱۳۸۳: ۹۲-۹۱). بنابراین، وجود بخش خصوصی در صورتی در الگوی توسعه مبتنی بر نظام جمهوری اسلامی امکان پذیر است که عملکرد این بخش، سرمایه‌داری به معنای «جست و جوی حداکثر سود به هر طریق ممکن و در هر شرایط» نباشد (رزاقی، ۱۷۳، ۱۳۷۰).

رعایت حق و تکلیف در حقوق بشر اسلامی، در اصول قانون اساسی نیز دیده می‌شود. در یکی از مهم‌ترین اصول آن چنین مطرح شده است که مردم ایران از هر قوم و قبیله که باشند، از حقوق مساوی برخوردارند و رنگ و نژاد، زبان و مانند اینها، سبب امتیاز نخواهد بود؛ این اصل چنان روشن و واضح است که راه را بر هر دریافت ناروایی بسته است. همه مردم در حمایت قانون قرار دارند (اصل بیستم). همه‌ی افراد ملت اعم از زن و مرد، یکسان در حمایت قانون قرار دارند و از همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، با رعایت موازین اسلام برخوردارند. نکته مهم این است اولاً، آزادی‌ها و حقوق مقرر شده در قانون اساسی، در همان قوانین نیز محدود شده است. قانون اساسی هر حق و آزادی فردی که برای شهروند مقرر

کرده‌است، در پهلوش فوراً آن را محدود ساخته و استثناعات را بیان کرده‌است؛ که به طور عمده می‌توان، آزادی دیگران، مصالح عمومی جامعه، حکم قانون را نام برد که در قانون اساسی به عنوان عوامل محدود کننده حقوق و آزادی‌های افراد دانسته شده است؛ و ثانیاً، حق مطلق وجود ندارد و هر کجا که برای فرد حقی ایجاد می‌شود، تکلیفی نیز به وجود می‌آید و انسان‌ها در روابط اجتماعی علاوه بر توجه به حقوق خود باید متوجه تکالیف خود نیز باشند.

حقوق بشر اسلامی درصدد آموزش توانایی‌های درونی انسانی و هدایت وی به سمت کمال است. به همین دلیل استدلال می‌شود پیامبر نیز بار سنگین را از دوش مردم بر می‌دارد و بندها و زنجیرها را از آنان باز می‌کند. بدیهی است منظور از بارهای سنگین، آداب و رسوم جاهلی و نیز غل و زنجیرهای فکری و روحی باشد که بر نیروها و استعدادهای معنوی بشر سایه افکنده است (یدالله‌پور، ۱۳۹۱: ۶۲). بنابراین حقوق بشر اسلامی در مقوله آموزش به ابعاد درونی انسانی نیز توجه نشان می‌دهد. حال آنکه در حقوق بشر جهانی، بیشتر به جنبه‌های بیرونی توجه نشان داده می‌شود. برخی انتقادات علیه حقوق بشر جهانی و نگاه آن به آموزش حاکی از آن است که حقوق بشر جهانی، بیشتر از آنکه به مناسبات درونی بشر توجه کنند، به مناسبات بیرونی توجه کردند و فقط می‌خواستند نظام اجتماعی نظامی باشد که در آن پنج آرمان، آزادی، عدالت، نظم، امنیت و رفاه تحقق پیدا کنند (صرامی، ۱۳۸۵: ۲۳۶). با توجه به آیات قرآن کریم، به این نتیجه می‌رسیم که خداوند مهربان از ابتدا برای انسان در قرآن حقوقی را متصور بوده و با کدهایی در آیات قرآن کریم، سعی در رشد و تعالی انسان در باب اخلاق و نوع‌دوستی و احترام به شان انسانی داشته است. لذا با هر آنچه را که در قرآن، ما را از آن نهی نموده‌اند و یا به انجام آن، تکلیف نموده‌اند، از باب توجه به حقوق فردی ما بوده است. مبنای کلیه قوانین بشری نیز جلب مصلحت و به عبارتی نفع انسان می‌باشد. البته با این تفاوت که قوانین بشری تنها مصالح دنیوی را مبنای قوانین قرار می‌دهند، اما در شریعت هم مصالح دنیا و هم مصالح آخرت بندگان مورد توجه قرار می‌گیرد (تقوی، ۱۳۷۸: ۴۷). حتی از دیدگاه قرآن برای دستیابی به محیطی سالم، گام نخست را امر به معروف و نهی از منکر و نظارت همگانی دانسته است (آل عمران/۱۰۴).

وجه تمایز مشخصی که میان حقوق بشر موردنظر جمهوری اسلامی ایران و حقوق بشر بین المللی وجود دارد و در موضوع آموزش حقوق بشر نیز نمود پیدا می‌کند، توجه به اصل "تکلیف" در حقوق بشر اسلامی است. بنابراین آموزش حقوق بشر باید به نحوی باشد که مسئولیت‌های انسان در قبال ساختن زندگی مطلوب فردی و اجتماعی را نیز برآورده سازد. همان طور برای دستیابی به یک محیط سالم اولین گام امر به معروف و نهی از منکر و نظارت

همگانی است؛ البته با در نظر گرفتن مراتب و شرایط آنها. خداوند متعال در این باره می‌فرماید: «وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» (آل عمران/۱۰۴).

بدین ترتیب در بینش اسلامی همه حقوق و وظایف برای این است که انسان به تکامل واقعی و قرب الهی برسد. امتیاز ادیان الهی به ویژه اسلام نسبت به سایر مکاتب بشری آن است که علاوه بر تامین مصالح دنیوی مردم به فکر تامین سلامت ابدی و اخروی آنان نیز هست. هر فرد مسئول امر به معروف و نهی از منکر است. یادآوری آحاد اجتماع یک ضمانت اجرایی قوی، دائمی و پیوسته است که باعث شناخت افراد به حقوق و وظایفشان در مقابل دیگران شده، راه اجرایی دیگر قوانین و مقررات را می‌گشاید. بنابراین حق و تکلیف از اجزای جدایی‌ناپذیر حقوق بشر اسلامی هستند. همچنان که امام علی (ع) امر به معروف و نهی از منکر را از اوصاف پروردگار شمرده است (مهاجری، ۱۳۷۴: ۱۳۷).

۳-۱. آموزش حقوق بشر در ج.ا.ایران

آموزش حقوق بشر در جمهوری اسلامی ایران بر مبنای قانون اساسی و در قالب نهادهای رسمی و غیررسمی و با تلقی حقوق بشر اسلامی دنبال می‌شود. با توجه به اسناد و رویکردهای بین‌المللی در زمینه حقوق بشر، دولت ایران برخی از اسناد مهم حقوق بشری نظیر اعلامیه جهانی حقوق بشر، میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، کنوانسیون حقوق کودک (۱۹۸۲) و ... را که حاوی مقرراتی در راستای ترویج و آموزش حقوق بشر هستند، به تصویب رسانده و عضویت در بسیاری از اسناد حقوق بشری نظیر اعلامیه وین و برنامه عمل (۱۹۹۳) که در آن تأکید زیادی بر امر آموزش حقوق بشر گردیده را پذیرفته است (مهرپور، ۱۳۹۳: ۱۷۳). بنابراین از این جهت در قبال جامعه بین‌المللی تعهدات خاصی را جهت آموزش حقوق بشر دارد. به همین منظور نهادهای داخلی بر مبنای آموزش حقوق بشر، رویکردهای رسمی و غیررسمی را پیش روی خود قرار داده‌اند.

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، حقوق بشر را در ابعاد مختلف آن از جمله برابری، عدالت، حقوق اقتصادی-اجتماعی، حقوق اقلیت‌های دینی و مذهبی و حقوق اقلیت‌های قومی و زبانی مورد توجه قرار داده است. اما آنچه مدنظر است ارائه الگوی آموزش حقوق بشری و تسری دادن این حقوق به بخش‌های مختلف جامعه از جمله کودکان و نوجوانان است. در این باره و با تکیه بر نص صریح قانون اساسی می‌توان گفت اصل سیزدهم قانون اساسی ایرانیان زرتشتی، کلیمی و مسیحی را تنها اقلیت‌های دینی شناخته شده می‌داند که در حدود مراسم دینی

خود آزادند و در احوال شخصیه و تعلیمات دینی بر طبق آیین خود عمل می کنند (منصور، ۱۳۹۱: ۱۲). به علاوه در اصل نوزدهم قانون اساسی، بر برابری آحاد مردم در پیشگاه قانون اساسی تأکید شده است. چنانچه در اصل نوزدهم بیان شده که مردم ایران از هر قوم و قبیله که باشند از حقوق مساوی برخوردارند و رنگ، نژاد، زبان و مانند اینها سبب امتیاز نخواهد بود (منصور، ۱۳۹۱: ۱۳). با بهره گیری از اصول قانون اساسی باید گفت که احترام به آزادی های اساسی، درونی ساختن و نهادینه کردن اصول حقوقی بشر است که به منظور تحقق یافتن آن آموزش حقوق بشر ضروری است (نواب دانشمند، ۱۳۸۶: ۱۳۳). به نظر می رسد از مهم ترین رویکردهای آموزشی که در این زمینه می تواند مورد توجه واقع شود، توجه به اصول قانون اساسی است که آموزش عمومی و همگانی را نیز به رسمیت شناخته است. بنابراین ارائه این آموزش ها در بخش آموزش حقوق بشر می تواند راهی برای اجرای آموزش حقوق بشر بر مبنای اسناد بین المللی باشد. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران ملهم از تعالیم دین مبین اسلام و همسویی با توافقات بین المللی بخصوص میثاق بین المللی حقوق فرهنگی اقتصادی و اجتماعی که دولت ایران از طریق مرجع قانونگذاری اجازه الحاق به میثاق مذکور را یافته است حق آموزش را برای شهروندان به رسمیت می شناسد (اصل سوم و اصل سی ام قانون اساسی ایران).

۲-۳. آموزش رسمی و غیررسمی و آموزش حقوق بشر

ماده ۱۳ میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی سازمان ملل متحد، حق دسترسی به آموزش و پرورش را حتی در راستای رشد کامل شخصیت انسان و احساس کرامت انسانی دانسته است. بر این اساس، دولت های عضو این میثاق، حق هر فرد را جهت برخورداری از آموزش و پرورش به رسمیت می شناسند. آنها می پذیرند که آموزش و پرورش می باید در جهت توسعه کامل شخصیت و حیثیت انسان و احترام فرد به حقوق بشر و آزادی های اساسی تقویت و هدایت شود. همچنین آنها می پذیرند که آموزش و پرورش می تواند شرکت فعال و موثر افراد در یک جامعه آزاد و در فضای تفاهم، مدارا و دوستی بین تمام ملت ها و گروه های نژادی، قومی یا مذهبی و همچنین فعالیت های سازمان ملل جهت برقرار ساختن صلح را تحقق بخشد. در همین راستا، بند (ج) ماده ۱۷ اعلامیه اسلامی حقوق بشر می گوید: «دولت مکلف است حق هر انسانی را در زندگی شرافتمندانه ای که بتواند از طریق آن مایحتاج خود و خانواده اش را برطرف سازد و شامل خوراک و پوشاک و مسکن و آموزش و درمان و سایر نیازهای اساسی می شود، تضمین نماید».

در کنار مسأله آموزش، توجه به شکل‌گیری و تربیت شهروندان منتقد، بخش دیگری از آموزش حقوق بشر در ایران به شمار می‌رود. بر این اساس و در پرتو اسناد بین‌المللی از جمله اعلامیه جهانی حقوق بشر، در بند دوم ماده ۲۶، درباره آموزش مفاهیم حقوق بشر چنین آمده است: «هدف آموزش و پرورش باید شکوفایی همه‌جانبه شخصیت انسان و تقویت رعایت حقوق بشر و آزادی‌های اساسی باشد. آموزش و پرورش باید به گسترش حسن تفاهم، دگرپذیری و دوستی میان تمام ملت‌ها و تمام گروه‌های نژادی یا دینی و نیز به گسترش فعالیت‌های ملل متحد در راه حفظ صلح یاری رساند». با توجه به رویکرد جهانی، به‌نظر می‌رسد تقویت روحیه انتقادی، رشد همه‌جانبه شخصیت بشر، احترام به آزادی‌های اساسی و شناخته شده در قانون اساسی، نیازمند پرورش شهروندانی منتقد و آگاه به مسائل مختلف جامعه است. بر این اساس، در مسأله آموزش حقوق بشر در جمهوری اسلامی ایران، برای آنکه دولتی پاسخگو شکل بگیرد تا حقوق مردم را در زمینه‌های مختلف محقق سازد، نیازمند پرورش شهروندانی خلاق و پرسشگر هستیم (نیا آذری، ۱۳۸۶: ۲۴). محقق شدن این امر نیازمند فعال شدن رسانه‌ها در زمینه‌های مختلف و ارائه آموزش لازم برای شهروندان است که در چارچوب آن بتوانند خلاقیت‌های خود را در حوزه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی و فرهنگی به‌ظهور برسانند.

علاوه بر تأکید قانون اساسی بر مسأله آموزش عمومی، بهره‌گیری از رسانه‌ها و مطبوعات و کمک به گسترش آنان در راستای آموزش حقوق بشر و مهم‌تر از همه پرورش شهروندان منتقد و پرسشگر، گامی رو به جلو محسوب می‌شود. چنان‌چه در نظام حقوقی ایران، قانون اساسی به‌عنوان تکلیف دولت در بند دوم اصل سوم مقرر داشته است: «بالا بردن سطح آگاهی‌های عمومی در همه زمینه‌ها با استفاده صحیح از مطبوعات و رسانه‌های گروهی و وسایل دیگر». به این ترتیب حقوق بشر نیز به‌عنوان نوعی آگاهی عمومی موضوع تکلیف دولت در آموزش‌های رسمی و اطلاع‌رسانی عمومی است. به علاوه قانون اساسی در اصل بیستم حقوق مساوی انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی همه افراد ملت را با رعایت موازین اسلامی مورد شناسایی قرار داده که بهره‌مندی از آموزش حقوق بشر یکی از حقوق فرهنگی انسانی محسوب می‌شود. حق آموزش و پرورش رایگان با شرایطی در اصل ۳۰ پذیرفته شده است. با توجه به قید اسلامی بودن تمامی قوانین بر اساس اصل ۴ قانون اساسی به‌نظر می‌رسد آموزش حقوق بشر تنها در محدوده‌ای که تعارضی با احکام اسلامی نداشته باشد در مقررات ملی مجاز شمرده شده است.

علاوه بر نهادهای رسمی، آموزش حقوق بشر در جمهوری اسلامی ایران می‌بایست در حیطه‌های غیررسمی نیز امکان‌پذیر شود. زیرا چنین امری، موجب استقرار و گسترش فرهنگ انسان

ذی‌حق و مطالبه‌کننده و دولتی مکلف و پاسخگو خواهد شد که در نهایت به تعمیق دولت قانونمدار منجر می‌شود (امیرارجمند، ۱۳۷۸: ۱۷۵-۱۷۴). امری که نتیجه آن، شکل‌گیری دولتی پاسخگو در جامعه اسلامی است که خود از آمال و اهداف نظام اسلامی است. در این صورت آموزش حقوق بشر می‌تواند معطوف به ترویج ارزش‌های اسلامی باشد.

فعال شدن انجمن‌ها و نهادهای مدنی و تأکید بر جنبه‌های حقوق بشری قانون اساسی و برجسته کردن «حقوق بشر اسلامی»، گام مهمی برای ترویج و آموزش حقوق بشر در نهادهای غیررسمی است. به‌طور مشخص در زمینه آموزش غیررسمی حقوق بشر در نهادهای مختلف جامعه، نهادهایی مختلفی مانند وزارت کشور، وزارت آموزش و پرورش (کادر اداری)، گزینش، هیأت‌های رسیدگی به تخلفات و اصولاً مراجع شبه قضایی اداری، شهرداری‌ها، قضات، سازمان زندان‌ها، سازمان حفاظت محیط زیست، وزارت کار و امور اجتماعی، سازمان بهزیستی، وزرات بهداشت و درمان، نیروی انتظامی و صدا و سیما می‌توانند نقش مؤثری داشته باشند (امیرارجمند، ۱۳۷۸: ۱۷۵). فضای مجازی ناشی از گسترش اینترنت، مکالمات آموزشی غیررسمی و تهیه محتویات متناسب با آموزش حقوق بشر به شکل قابل توجهی می‌تواند باعث تنقیح ابعاد حقوق بشر در جامعه ایرانی گردد. با در نظر گرفتن این مسأله که هدف اصلی، سعادت دنیوی و اخروی انسان و حرکت بر مبنای اصول اخلاق اسلامی باشد.

آموزش غیررسمی و همچنین تحقق بخشیدن به مسأله آموزش مجازی حقوق بشر در قالب‌های غیررسمی دارای مزیت‌های فراوانی برای تحقق آموزش حقوق بشر در جمهوری اسلامی ایران است. به نظر می‌رسد این رویه در راستای «آموزش عمومی» مندرج در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران قرار دارد. امروزه از نظام‌های آموزشی انتظار می‌رود که امر یاددهی، یادگیری صرفاً در چارچوب کتاب‌های درسی و یا معلم و یا محیط مدرسه محدود نشود، بلکه برخورداری از آموزش فراگیر، مادام‌العمر و همیشه در دسترس باشند. فناوری اطلاعات این امکان را به راحتی فراهم می‌آورد (عبادی، ۱۳۸۴: ۱۰۷). به نظر می‌رسد توجه بیشتر نظام آموزشی جمهوری اسلامی ایران به این سبک از آموزش به نحو مطلوبی می‌تواند حامی آموزش حقوق بشر باشد. بنابراین اگر خواهان آن هستیم که از قبل آموزش حقوق بشر در نهادهای آموزشی از جمله مدارس و دانشگاه‌ها، شهروندانی فعال و مشارکت‌جو در امور کشور تربیت کنیم، شایسته است در مدارس نیز فراگیران را در امور مختلف کلاس و محیط مدرسه مشارکت دهیم. زیرا چنین روشی براساس رویکردهای بین‌المللی در زمینه حقوق بشر، آشنا ساختن عملی فراگیران و نحوه مواجهه با حقوق بشر در ابعاد مختلف آن است. بر این اساس، تمرکز بر مهارت‌های مبتنی

بر مشارکت آگاهانه، کارآمد و مسئولانه در جریان‌های سیاسی و جامعه مدنی در یک جو علمی دموکراتیک اهمیت فراوانی دارد (اطهری و بختیار نصرآبادی، ۱۳۸۷: ۳۴۵). پس آنچه به نظر ضروری می‌رسد گنجاندن محتوای خاصی در این نوع از یادگیری است که بتواند این روحیه مسئولانه را نیز تقویت کند.

آموزش حقوق بشر در جمهوری اسلامی ایران بیش از هر چیز تحت تأثیر «حقوق بشر» اسلامی است که بر ابعاد دوگانه حقوق بشر یعنی «حقوق» و «تکالیف» تأکید می‌کنند. بر اساس این رویکرد، حقوق بشر، باید ناظر به هردو بُعد باشد و در عین حال او موجودی مکلف است و حقوق مبتنی بر نیازهای مادی و معنوی انسان است؛ انسانی که در راه رسیدن به تکامل حقیقی خود باید از امکانات لازم برخوردار باشد. این حقوق براساس تعریف دقیق از بشر تبیین حقیقی پیدا می‌کند و آن نیز براساس معیارهای ایدئولوژیکی و جهان‌بینی استوار می‌گردد (راعی، ۱۳۹۱: ۱۳-۱۴). همچنین در حقوق بشر اسلامی علاوه بر اینکه حقوق متعلق به انسان است، دارای وجه ایجابی نیز می‌باشد که به معنای فراهم کردن شرایطی برای شکوفا شدن استعدادهای آدمی است. بنابراین مسأله «آموزش» حقوق بشر و تعلیم آن به افراد جامعه در حقوق بشر اسلامی مورد توجه است. در این میان، یکی از بهترین راه‌های ترویج حقوق بشر و احترام به آزادی‌های اساسی، درونی ساختن و نهادینه کردن ارزش‌ها و اصول حقوق بشر است که به منظور تحقق یافتن آن آموزش حقوق بشر ضروری می‌باشد و برای مؤثرتر ساختن این آموزش‌ها نیازمند شناخت و بررسی شیوه‌ها و روش‌های آموزشی هستیم که بتواند ما را در رسیدن به این هدف یاری رساند (نواب دانشمند، ۱۳۸۶: ۱۲۹). با ارائه محتوای آموزشی انتقادی و آشنا ساختن افراد با استقلال فردی و برانگیختن روحیه مشارکت‌جویانه و نهادینه کردن مفهوم خودنظارتی به عنوان یکی از پایه‌های زندگی امروزی راه برای تربیت شهروندانی منتقد و پویا در عرصه اجتماعی فراهم می‌شود. در چنین صورتی است که حقوق بشر اسلامی به عنوان یک رویکرد بدیل به افراد جامعه شناسانده می‌شود و هم در پرتو اسناد بین المللی، راه را برای غرض‌ورزی دشمنان بسته می‌گذارد.

۴. نتیجه گیری

پذیرش اسلام به عنوان دین رسمی کشور در قانون اساسی جمهوری اسلامی و در پی آن، پذیرش مجموعه اعتقادات ارائه شده توسط این دین، تعیین کننده بسیاری از معیارهای لازم در شکل‌گیری نظام حقوق بشر مورد نظر نظام جمهوری اسلامی است. با پذیرش حقوق بشر اسلامی و توأمانی حق و تکلیف، از دیدگاه یک مسلمان موحد، خداوند نقش منحصر به فرد و تعیین

کننده‌ای در خلقت و تدبیر جهان طبیعت به عهده دارد و همه چیز به او منتهی می‌شود و لحظه لحظه وجود این عالم منوط به اراده بلامنازع اوست. بنابراین سعادت انسان‌ها و آموزش این رویکرد به سایر بخش‌های جامعه وجه تمایز حقوق بشر اسلامی است. از طرفی دیگر، آموزش حقوق بشر نیازمند نهادسازی است. به همین دلیل نیز نهادهای رسمی با بهره‌گیری از قانون اساسی و با توجه به آموزه‌های دینی، رویکردی متفاوت از حقوق بشر جهانی دنبال می‌کنند که در آن بر همزمانی حقوق و تکالیف و تعالی انسانی تأکید می‌کنند. از حیث توجه به اصول کرامت، توأمانی حقوق و تکالیف، ترویج اصول معنوی و اخلاقی و همچنین توجه به صدور حقوق از منشأ الهی، رویکرد آموزش حقوق بشر در جمهوری اسلامی ایران از رویکردهای مسلط جهانی متمایز است و این رویه می‌بایست تا پرورش شهروندان منتقد و بصیر دنبال شود. در راستای آموزش مفاهیم حقوق بشر از طریق یادگیری الکترونیکی، ارائه شیوه‌های جدید یادگیری و فراهم کردن فرصت‌هایی برای تفکر مستقل و انتقادی در یادگیران، یکی از بهترین شیوه‌هایی است که از طریق آن می‌توان موضوعات گوناگون را در قالب‌های گوناگون و متنوع و متناسب با نیاز یادگیران به آنها آموزش داد. با توجه به اینکه در عصر جدید در همه جا صحبت از حقوق شهروندی و مسئولیت‌های آنها دیده می‌شود، مهم‌ترین شیوه برای آگاه ساختن شهروندان از حقوق و مسئولیت‌هایشان شیوه‌های جدید یادگیری است که فرصت‌های لازم و برابری را برای شهروندان فراهم می‌کند تا از این طریق بتوانند به شهروندانی آگاه و منتقد تبدیل شوند و زمینه‌ساز تحقق شهروندی متناسب با آموزه‌های جهانی حقوق بشر و مفاد قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران شوند. به نظر می‌رسد پرداختن به آموزش عمومی در قانون اساسی و تأکید بر جنبه‌های حقوق بشری قانون اساسی از جمله همزیستی اقوام و اقلیت‌ها در سایه قانون اساسی، حفظ حقوق اقلیت‌های مذهبی و دینی در چارچوب احکام شرعی، محقق ساختن حقوق زنان و کودکان از جمله ظرفیت‌های مهم قانون اساسی است که با آموزش آنان می‌توان بخش مهمی از مسأله آموزش حقوق بشر را در عمل اجرایی کند.

منابع و مآخذ:

- قرآن کریم.
- اطهری، زینب السادات و بختیار نصرآبادی، حسنعلی (۱۳۸۷)، مقاله تربیت شهروندی حلقه مفقوده در نظارت شهری در کتاب نظارت همگانی، شهروندی و توسعه سازمانی، چاپ اول، تهران، نشر مؤسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی.
- امیرارجمند، ارد شیر (۱۳۷۸) آموزش حقوق بشر، **مجله تحقیقات حقوقی**، شماره ۲۵-۲۶، ص ۱۸۰-۱۵۹.
- برنل، پیتر، رندال، ویکی (۱۳۸۹)، **مسائل جهان سوم؛ سیاست در جهان در حال توسعه**، ترجمه احمد ساعی و سعید میرترابی، چاپ دوم، تهران: نشر قومس.
- تقوی، محمدناصر (۱۳۷۸)، **بررسی مصلحت در نظام سیاسی اسلام**، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- راعی، مسعود (۱۳۹۰)، چالش حق و تکلیف، **فصلنامه نقد کتاب**، شماره ۶، صص ۳۹-۷۷.
- راعی، مسعود (۱۳۹۱)، نسبت سنجی نظام بین المللی حقوق بشر و آموزه های اسلامی، **فصلنامه مطالعات حقوق بشر اسلامی**، سال اول، شماره اول، پاییز ۹۱، صص ۳۱-۹.
- رحمانی، ابراهیم، مؤذنی، سیامک (۱۳۹۵)، جایگاه کرامت انسانی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، **فصلنامه راهبرد توسعه**، شماره ۴۸، صص ۴۲-۲۵.
- رزاقی، ابراهیم (۱۳۷۳)، **الگوی برای توسعه اقتصادی ایران**، تهران: نشر توسعه.
- صارمی، سیف الله (۱۳۸۵)، **حکم و تکلیف؛ مجمعه گفتارها** به کوشش، قم: انتشارات پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- صالحی، جواد، دهقان، مجتبی (۱۳۹۴)، صورتبندی گفتمانی حقوق بشر در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، **مجله مطالعات حقوقی** دانشگاه شیراز، دوره هفتم، شماره اول، عبادی، رحیم (۱۳۸۴)، **فناوری اطلاعات و آموزش و پرورش**، چاپ دوم، تهران، مؤسسه توسعه فناوری آموزشی مدارس هوشمند.
- غمامی، سید مهدی (۱۳۸۷)، تعریف و توضیح واژگان و مفاهیم بنیادین حقوقی، **مجله اصلاح و تربیت**، شماره ۹۲، فریمن، مایکل (۱۳۹۴) **حقوق بشر، رویکردی میان رشته ای**، ترجمه محمد کیوانفر تهران: انتشارات هرمس.
- قاری سیدفاطمی، سیدمحمد (۱۳۹۰) **حقوق بشر در جهان معاصر**، تهران: شهر دانش.
- قربانیا، ناصر (۱۳۸۷)، **حقوق بشر و حقوق بشردوستانه**، چاپ اول، تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، تهران.
- محقق داماد، سید مصطفی (۱۳۸۳)، **حقوق بشر دو ستانه بین المللی؛ رهیافت اسلامی**، تهران، مرکز نشر علوم اسلامی.
- ملکی، علی (۱۳۸۵)، تعاملات حقوق بشر و حقوق بشردو ستانه در اسلام، سپری در برابر حربه اتهام غرب، **فصلنامه دیدگاه های حقوقی**، شماره چهل و یکم.
- منصور، جهانگیر (۱۳۹۱) **قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران**، چاپ یکصد و یکم، تهران: نشر دوران.
- موحد، محمد علی (۱۳۸۷) **در هوای حق و عدالت**، از **حقوق طبیعی تا حقوق بشر**، تهران: نشر کارنامه.
- مهاجری، علی (۱۳۷۴)، **جرائم خاص کارکنان دولت**، تهران: انتشارات کیهان.
- مهرپور، حسین (۱۳۹۳)، **نظام بین المللی حقوق بشر**، چاپ دوم، تهران: انتشارات اطلاعات.
- نواب دانشمند، فریبا (۱۳۸۶) بررسی برخی از روش های آموزش حقوق بشر، **مجله حقوقی**، شماره ۳۷، صص ۱۶۷-۱۲۹.
- یدالله پور، بهروز (۱۳۹۱)، **کرامت انسان در قرآن** (ماهیت، مبانی، موانع)، قم: انتشارات ادیان.
- منابع لاتین:
- Emmert, Simon (2011), **Education in Term of Human Rights**, University of Applied Sciences, Faculty of Social Work, Wuerzburg, German, pp 346-361.
- Forysth, David P (2000), **Human Right and Comparative Foreign Policy Foundations of Peace**, Paris: United Nations University.
- Lee, E. Sharon. E (2013), Education as a Human Rights in the 21 st Century. **Journal democracy & education**, vol 21, no- 1, pp 1-9.
- McLeod, Julia (2014), **A peaceful pedagogy; Teaching human rights across the curriculum**, The University of Newcastle, Primary Teacher Education, Faculty of Education and Arts, School of Education, Australia, pp 1225-1232.
- Parekh. Bikho (1998). **Intergovernmental conference on cultural policies for development**, stockholm, Sweden, 30 march- 2 April 1998.
- Parekh, Bhikhu (2003) **Rethinking Multiculturalism: Cultural Diversity and Political Theory**, Basingstoke: Macmillan.
- Rabinson, Mary (2000), **all human beings; A manual for human rights education, the Universal Dedaration of Human Rights**, UNESCO.
- Shelton, D (2008). **Regional protection of Human Rights**, Oxford University Press.